

مذکور است. از قبیل اعتیاد زوج به مواد مخدر و تدخین آن و یا تزیین آن در خانه و در حضور اعضای خانواده و اطفال و یا در دستشویی و یا دعوت دوستان خود به خانه و مصرف مواد مخدر و تهدید امنیت و حیثیت خانواده و اجبار زوج و یا دختر خود به پذیرایی طولانی از آنان، و تهدید و اجبار زوج به ارتکاب اعمال خلاف عفت برای کسب درآمد مصرف مواد مخدر، ارباب و ضرب و شتم زوج و فرزندان، و داشتن سوابق کیفری و اصرار به ادامه ارتکاب جرایم موجب هتک آبروی زوج و خانواده و شرب مشروب الکلی چه در خفاء و چه به صورت علنی در منزل و در حضور دیگران و نگهداری آن در یخچال و در کنار مواد خوراکی و تجری در این امر و ایجاد مزاحمت برای خانواده و دیگران و معاشرتهای خلاف شرع و قانون با اجنبی و ازدواجهای منقطع متعدد و عدم رعایت قیود اخلاقی و ارزشی دینی از سوی زوج، که امکان ادامه زندگی سالم و آرام و بدون مشقت را سلب و موجب طلاق می گردد.

■ چرا زوج معسر از پرداخت مهریه برای تقاضای تقسیم باید روانه زندان شود؟ آیا زندان رفتن صحیح است؟ آیا قانونی برای جلوگیری از این امر وجود دارد چه راهکار و پیشنهادی برای حل این معضل که در سیستم قضایی بدعت شده است دارید؟ مشروحاً بیان فرمایید.

راجع به این سؤال که آیا زوج معسر از پرداخت نقدی مهریه، برای طرح دادخواست اعسار حتماً باید به زندان برود تا بتواند دادخواست اعسار تقدیم نماید یا خیر پاسخ این است که اصولاً قانونی با مضمون فوق تصویب نگردیده است و از مقنن بعید است که چنین قانونی را وضع نموده یا وضع نماید و استنباط از ماده ۳ به نحو مذکور صحیح نیست و کاملاً اشتباه است. چرا که با کمی دقت به مفهوم جمله ماده ۳ نحوه اجرای محکومیتهای مالی، که متأسفانه توسط برخی از محاکم، به استناد آن محکوم علیه به پرداخت مهریه به زندان معرفی می گردید و متعاقباً تقاضای اعسار و تقسیم او قبول می شد، پی خواهیم برد که مقنن در مقام تذکر، بیان داشته که اگر محکوم علیه به هر دلیلی، پس از اینکه به لحاظ عدم تأدیه محکوم به، حبس گردید و در حبس ادعای اعسار تقدیم نمود، می بایست خارج از نوبت به خواسته وی رسیدگی و اگر اعسار وی ثابت گردید آزاد گردد (البته پس از قطعیت حکم)، کما اینکه در رأی وحدت رویه شماره ۶۶۳-۱۰/۲-۸۲ نیز بر این امر تأکید گردیده است و در این شعبه، حتی قبل از رأی وحدت رویه اخیر، صرفاً با محکومیت به پرداخت مهریه، دادگاه تقاضای اعسار و تقسیم محکوم علیه (زوج) به پرداخت مهریه را قبول و رسیدگی می نمود و رسیدگی می نماید و حتی الامکان از اعزاز به زندان محکوم علیه

جلوگیری و محکوم به را تقسیم می نماید که البته این امر، منوط به تقدیم دادخواست اعسار و تقسیم محکوم به، به موقع از سوی محکوم علیه است.

■ به عنوان ختم کلام، پیشنهاد، انتقاد، راهکار، توقع و انتظاری را که از مسؤولان دارید بیان فرمایید؟ اما در مورد اینکه قضاات چه توقعی از مسؤولان قوه قضاییه دارند. در مقام بیان، توقع این است که ریاست محترم قوه قضاییه و مسؤولان در قوه تمامی تلاش خود را جهت حفظ و ارتقای شأن و منزلت قضاات که همانا موجب ارتقای منزلت دستگاه قضایی خواهد بود به کار گرفته و از تضعیف قضاات که خطرترین و سخت ترین مسؤولیتها به آنان سپرده شده است توسط هر شخص یا اشخاصی که باشد به جد جلوگیری و ممانعت به عمل آید چرا که تضعیف قوه قضاییه و قضاات، خدای نخواسته از درون، دیگران را برای هجمه به قوه قضاییه و به این قشر خدوم و بازوی حکومت و جمهوری اسلامی به طمع خواهد انداخت و بررسی منجر به نتیجه، تأمین حقوق و مزایای مناسب با مسؤولیت و معاش قضاات، که سکوت و عدم ذکر مشکلات همکاران قضایی خود نیز حفظ شأن و منزلت آنان است و مطرح نمودن آن را صلاح نمی دانم، از توقعاتی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز بر آن تأکید و امر فرمودند و امیدمان این است که به دستور امام معصوم (ع) عمل شود.

در پایان، دو مسأله مهم را به مسؤولان محترم قضایی و قوه مقننه متذکر می شوم. اول، کثرت طرح دعوی خانواده، بویژه طلاق به شرح دلائلی که عرض شد.

ثانیاً، به زندان رفتن شوهرانی که با رشد نرخ تورم، حقوق و درآمد مطابق با رشد نرخ تورم نداشته اند و قادر به تأدیه و پرداخت مهریه ریالی با نرخ روز و یا تحویل سکه طلای یا ارزش افزوده و با تعداد بالا نیستند. و به زندان رفتن خود را مرهون

رشد نرخ تورم می دانند نه امضای عقدنامه و قبول مهریه. بدیهی است با وضع قوانین مناسب پس از کارشناسی دقیق می توان، از طرح دعوی خانواده بویژه طلاق ممانعت نمود و ایضاً، از رشد تعیین مهریه های کلان و غیر معقول و تعیین شده از روی چشم و هم چشمی جلوگیری نمود. مزید اطلاع است که اعلام نمایم هنوز به خاطر ندارم که زوج به واسطه عدم توانایی از پرداخت مهریه به زندان رفته باشد و متعاقباً زوج خود را طلاق نداده باشد. باز هم یادآور می گردم این حدیث مختصر را از امام علی (ع) که: با اجرای عدالت در جامعه، برکات فزونی و مضاعف خواهد شد.

◀ محمد کاظم اسدیان کوهستانی - قاضی اجرای احکام حقوقی دادگستری شهری

اجرای احکام با عملکرد ضعیف می تواند زحمات دادگاه را از بین ببرد

دارای تحصیلات فوق لیسانس حقوق بین الملل و از سال ۱۳۷۹ شروع به کار قضایی نموده و تاکنون در سمت های کارشناس حقوق سازمانهای دولتی و بازرسی کل کشور فعالیت داشته و در حال حاضر قاضی اجرای احکام حقوقی دادگستری شهری می باشد.

■ چند نفر قاضی در واحد اجرای احکام این دادگستری مشغول فعالیت هستند و تقسیم پرونده های اجرایی فی ما بین آنها به چه صورت است؟

یک قاضی، با عنایت به اینکه یک قاضی در واحد اجرای احکام مشغول فعالیت است موضوع تقسیم پرونده ها منتفی است.

■ آمار پرونده های وارده به اجرای احکام چه میزان است؟

آمار پرونده های وارده در سال ۱۳۸۲ شامل





(اجرائیه، قرار تأمین خواسته، اجرائیه ارجاعی، قرار تأمین خواسته ارجاعی و دستور موقت اعم از ارجاعی و غیر ارجاعی) ۲۳۶۸ فقره بوده است.

■ آمار مختومه های مربوطه را بیان فرمایید؟

آمار پرونده های مختومه در سال ۱۳۸۲ شامل (اجرائیه، قرار تأمین خواسته، اجرائیه ارجاعی، قرار تأمین خواسته ارجاعی و دستور موقت اعم از ارجاعی و غیر ارجاعی) ۲۷۳۷ فقره بوده است.

■ وظیفه اصلی واحد اجرای احکام چیست؟

در معنای عام، وظیفه اصلی اجرای احکام حقوقی تحقق بخشیدن به مدلول حکم قطعی، قرار تأمین خواسته و دستور موقت صادر شده از دادگاه و حالی اجرای قرار صادره در راستای اجرای مفاد ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری صادر شده از دادسرای عمومی می باشد. مع الوصف بعضاً اجرای تصمیم دادگاه در معنای عام هم تجلی می گردد آن در راستای اجرای مفاد ماده ۱۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده مقدم الذکر است که علاوه بر اجرای مفاد قرار ممکن است همزمان کار ابلاغ مفاد قرار صورت پذیرد.

■ اجرای صحیح احکام و به موقع و با قاطعیت چه تأثیری در روند اصلاح جامعه دارد؟

اعتقاد دارم که اجرای به موقع و قاطع احکام ثمرات متعددی بدنبال دارد که به شرح آتی عمده آنها تبیین می گردد، قبلاً لازم به ذکر است، اجرای احکام تجلی و مظهر دادرسی است، قاضی اجرای احکام، مأمور اجرای احکام و به طور عام کارکنان اجرای احکام مانند کشاورزانی هستند که پس از سعی و تلاش و زحمات فراوان، قصد برداشت را، محصولات دارند، اگر اهمیت کار آنان بیشتر از مراحل قبلی یا دادرسی نباشد کمتر نیست. می توانند با عملکرد ضعیف و نامطلوب، زحمات دادگاه را از بین ببرند و یا با عملکرد مثبت و مطلوب به سرانجام برسانند. اولین ثمره اجرای به موقع و قاطع احکام احقاق حق و ابطال باطل است که این امر موجب اقتدار دستگاه قضایی و جلوگیری از تضییع حقوق مردم و اجحاف می گردد و دومین ثمره آن آرامش روحی و درمان نفس محکوم له و ذی نفع که به طریق اولی این آرامش (دلگرمی به دستگاه قضایی و بالطبع دلگرمی به نظام جمهوری اسلامی) به خانواده و جامعه تسری خواهد یافت.

■ مشکلات و موانعی که در اجرای صحیح احکام وجود دارد بیان فرمایید؟

مشکلات و موانع متعددی وجود دارد که در این مقال به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۱- عدم مطابقت و سنخیت قوانین مقررات اجرای احکام مدنی بخصوص قانون اجرای احکام مدنی با واقعیات و پدیده های حقوقی روز به طور مثال جهت انتقال مالکیت مال غیر منقول بفروش رفته به خریدار (برنده مزایده) با قیمت ۱۰ میلیون ریال و نیاز به صدور دستور تملیک از سوی دادگاه صادر کننده اجرائیه یا حکم هست ولی با استنباط از این قانون

جهت انتقال مالکیت های منقول ده میلیون ریال و بیشتر از آن نیاز به صدور دستور ملکیت از سوی دادگاه صادر کننده اجرائیه حکم نمی باشد.

۲- عدم صراحت و وضوح بعضی از احکام و قرارها که در چنین مواقعی نیاز به رفع ابهام یا اجمال یا اشکال از سوی دادگاه می باشد.

۳- عدم پیگیری جدی و به موقع محکوم له یا محکوم لهم احکام یا خواهان و خواهانهای قرار تأمین خواسته که بعضاً مشاهده می شود که پس از تشکیل پرونده و طی مراحل مقدماتی نسبت به ادامه عملیات اجرایی و پیگیری اقدام نمی نماید و موجب اطاله وقت و مسکوت ماندن پرونده می شود.

۴- مقاومت محکوم علیه و محکوم علیهم یا خواننده و خوانندگان در برابر مأمور اجرا که موجب توسل به زور و قوه مجریه می شود.

۵- کمبود نیروی انسانی کافی و نیز امکانات مادی جهت اجرای احکام و قرارها.

■ چه پیشنهاد و راهکارهایی برای رفع این مشکلات به نظر می رسد، بیان فرمایید؟

با عنایت به مشکلات و نارساییهای مطرحه در پاسخ سؤال هفتم راهکارهای لازم جهت رفع آن عبارت است از:

۱- اصلاح قوانین و مقررات شناخته شده از جمله قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ به طور مثال با توجه به مفاد ماده ۳۱ آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و اصلاحات بعدی که رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس دادگستری یا معاون وی می باشد بنابراین لازم به نظر می رسد که قانون اجرای احکام مدنی با توجه به تشکیلات جدید اصلاح شود.

۲- صدور دستورها و احکام و قرارها به طور صریح و شفاف و عدم ابهام و کلی گویی از ناحیه مراجع صادر کننده.

۳- اندیشیدن تدبیر لازم در خصوص پرونده هایی که پس از گذشت مدت زمان طولانی به علت

عدم پیگیری از ناحیه محکوم له یا محکوم لهم یا خواهان و خواهانها بلا تکلیف می ماند.

۴- اجرای قاطع و با اقتدار احکام و قرارها توسط ضابطین دادگستری و عدم تسامح و گذشت بی جا و اعطای فرصتهای بی نتیجه جهت اجرای حکم و قرار به محکوم علیه یا خواننده.

۵- تأمین امکانات لازم و همچنین تأمین نیروی انسانی آموزش دیده کافی جهت انجام عملیات اجرایی.

■ با توجه به شعب متعدد در این دادگستری، آیا واحد اجرای احکام با این تعداد قاضی جوابگوی نیازهای اجرایی می باشد یا خیر؟

با اعتقاد با عنایت به راهکارهای موجود و پیچیده در قوانین و مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی و قرار تأمین خواسته مانند قانون اجرای احکام مدنی و مبحث اول فصل ششم قانون آیین دادرسی مدنی مضافاً با توجه به کثرت شعب حقوقی و خانواده در این دادگستری و وجود پرونده های جریانی مربوط به سنوات قبل از سال ۱۳۸۱، کمبود امکانات و نیروی انسانی قضایی و غیر قضایی محسوس و مشهود است و بدیهی می نماید علی رغم تلاش و کوشش بی شائبه و کم نظیر کارکنان اجرای احکام این امر موجب ایجاد نارسایی در امور می شود.

■ چه راهکارهایی را برای تقویت واحد اجرای احکام دادگستری پیشنهاد می دهید؟

راهکارهای متعددی در این خصوص وجود دارد که عمدتاً عبارت است از: ۱- همان طور که در پاسخ به سؤال هشتم عنوان شد رفع هر یک از مشکلات احصاء شده موجب تقویت واحد اجرای احکام خواهد شد. ۲- افزایش شعب واحد اجرای احکام ۳- تأمین نیروی انسانی اعم از قضایی و غیر قضایی ۴- آموزش نیروهای اجرای نیروی انتظامی و کارکنان اجرای احکام ۵- همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر دادگاهها با اجرای احکام که خوشبختانه در این دادگستری وجود دارد.